

استاد

یاسوناری کاواباتا

www.ketab.ir

ترجمه

مانی پارسا

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم

The Master of Go

Yasunari Kawabata

Translated from Japanese into English by

Edward G. Seidensticker

Yellow Jersey Press, London, 2006

استاد

ياسونارى كاواباتا

ترجمة مانى پارسا

کتابخانه ادبیات داستانی معاصر



نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۱۰۰

صفحه آرا: بهار یونسزاده

طراح جلد: حکمت شکيبا

چاپ و صحافی: سپیدار

ناظر چاپ: بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه: کاواباتا، یاسوناری، ۱۸۹۹-۱۹۷۲ م. Kawabata, Yasunari □ عنوان

و نام پدیدآور: استاد/ یاسوناری کاواباتا؛ ترجمه مانى پارسا □ مشخصات نشر:

تهران: فرهنگ نشرنو: آسیم، ۱۴۰۲ □ مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص □ شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰-۴۰۹-۴ □ وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا □ یادداشت: عنوان

اصلی: *Meijin* □ یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان *The master of go*

به فارسی برگردانده شده است □ موضوع: داستان‌های ژاپنی - قرن ۲۰ م. □ شناسه

افزوده: پارسا، مانى، ۱۳۵۳ -، مترجم □ رده‌بندی کنگره: PL۸۳۶ □ رده‌بندی

دیویی: ۸۹۵/۶۳۴۴ □ شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۲۲۶۲۷

مرکز پخش: آسیم

تلفن و دورنگار: ۵-۸۸۷۴۰۹۹۲

فروشگاه اینترنتی: www.nashrenow.com

قیمت: ۱,۴۰۰,۰۰۰ ریال

یادداشت مترجم انگلیسی

آقای کاواباتا استاد^۱ را «رمان-وقایع‌نامه‌ای وفادار» توصیف کرده است. البته واژه به‌کاررفته «رمان» نیست، شویتسو است، اصطلاحی نسبتاً انعطاف‌پذیر و پرمایه و گشوده‌تر از «رمان». آنچه خواننده غربی غالباً تا حدی بر قطعاتی زندگی‌نامه‌ای یا رشته‌خاطرات پرشاخ‌وبرگ و رنگ‌وارنگ البته نادرستانی اطلاق می‌کند، خواننده ژاپنی در مقوله شویتسو جای می‌دهد.

مورد استاد نیز چنین است. خالی از عناصر داستانی نیست، اما بیشتر وقایع‌نامه‌ست تا رمان، گزارشی سوگناک و دقیق درباره یک مسابقه گو به سال ۱۹۳۸، دقیقاً مطابق با آنچه در این «رمان-وقایع‌نامه» توصیف شده است و آقای کاواباتا آن را برای روزنامه‌های دوقلوی اوساکا و توکیو، که امروزه هر دو نام ماینیچی بر خود دارند، گزارش کرد.

پاره‌ای از عناصر داستانی نمایان‌اند. آقای کاواباتا به خود نامی داستانی داده است، اوراگامی، و ظاهراً برای خود سنی متفاوت از سن واقعی‌اش معین کرده است، که چه‌بسا ناشی از نقص کوچکی در حافظه باشد. استاد با نام خودش معرفی می‌شود، یا بهتر است بگوییم با نام حرفه‌ای خودش، اما، انگار به قصد تأکید بر اینکه قهرمان داستان هموست، همیشه در کانون

۱. طبیعتاً در متن انگلیسی *The Master of Go*: استاد گو.

همه وقایع حضور دارد و آقای کاواباتا رقیب را نیز تعیین کرده است، نامی داستانی، در زندگی واقعی آقای کیتانی مینورا. سلوک پیچیده زمان، با آغاز و انجام کنش در یک نقطه، به همراه توصیفات دقیق، توصیفات امپرسیونیستی محیط و فصل، مؤکداتیست برای نمود یافتن «رمان - وقایع نامه».

اما پیچیده‌ترین عنصر داستان، یحتمل، حالات خود استاد است. اشخاصی که او را در زندگی واقعی اش می‌شناخته‌اند به ما گفته‌اند که او افزون بر اینکه گروتسک‌وار ریزنقش می‌شود، احساس فریبکاری و حتی حيله‌گری روباه‌گونه‌ای را منتقل می‌کند. استاد از دید آن ناظران کمتر از آنچه آقای کاواباتا بدو بخشیده است واجد اصالت نجیب‌زادگی بود. بنابراین دستاورد آقای کاواباتا از وقایع‌نامه‌ای وفادار برمی‌گذرد و تبدیل می‌شود به توصیف داستانی نظمی هنرمندانه.

استاد شوسایی تبدیل می‌شود به نمادی غم‌انگیز و اشرافی. آقای کاواباتا اندکی پس از جنگ در اظهار نظری که شاید مشهورترین اظهار نظر او باشد گفت که زین پس فقط می‌تواند مرثیه بنویسد. شکست سال ۱۹۴۵ که با از دست دادن همه بستگان نزدیک او در کردگی همراه بود، یکی از رویدادهای بزرگی بود که حساسیت آقای کاواباتا را شکل داد. او بازنویسی وقایع‌نامه مسابقه گو در ۱۹۳۸ را در طول جنگ آغاز کرد و نتوانست آن را تقریباً تا یک دهه پس از پایان جنگ به اتمام برساند. واقعیت نمادینی که بر شخصیت اصلی استاد دمیده است، آن را به زیباترین مرثیه آقای کاواباتا تبدیل می‌کند.

«استاد شکست‌ناپذیر» واپسین مسابقه قهرمانی خود را واگذار کرد و شکست در دستان آقای کاواباتا تبدیل شد به شکست یک سنت؛ سنتی آریستوکراتیک که تا سال ۱۹۴۵ پایه اخلاقیات و علم‌الاخلاق و نیز هنر در ژاپن بود. آقای کاواباتا درست همان‌طور که مطلقاً از هیستری شوونیستی زمان جنگ بهره‌ای نداشت، از «دموکراسی» و «لیبرالیسم» مبتذل سال‌های

پس از جنگ نیز بهره‌ای نداشت. آمادگی آن را نداشت که بدانچه در نظرش جوهر حقیقی ژاپن بود، پشت کند. متحیر بود که چرا باید یوکیو می‌شیمای متظاهر و کاواباتای خموش زاهدمنش این قدر به یکدیگر نزدیک باشند. احتمال بخشی از این راز در تمایلات اشرافی‌ای نهفته‌ست که این دو مرد در آن انبازند.

اصول بازی گو ساده و اجرای آن بی‌نهایت پیچیده‌ست. نمی‌توان آن را همچون شطرنج و چکرز بازی حرکات نامید. اگرچه ممکن است سنگ‌های تصرف‌شده از روی صفحه برداشته شوند، اما یک سنگ پس از قرار گرفتن در یکی از سیصد و شصت و یک موضعی که بازی بدانها محدود است، هرگز نمی‌تواند به موضع دیگری انتقال یابد. هدف ایجاد مواضع آسیب‌ناپذیر در برابر حمله رقیب است و در ضمن محاصره و اسیر کردن سنگ‌های رقیب.

با یک نظر بر نگاره بازی کامل شده باید دریافت که «سیاه» بر بخش اعظم مناطق سمت چپ پایین و سمت راست بالا چیره است و «سفید» در سمت راست پایین دست بالا را دارند. «سیاه» منطقه بسیار کوچکی را در بالا سمت چپ در اختیار دارد و «سفید» منطقه چپ مرکزی را. مناطق بالای مرکزی صفحه با ظرافت تمام میان هر دو تقسیم شده است و مرکز و مناطق بلافصل زیرین آن بی‌طرف‌اند. محاسبه امتیازات بسیار پیچیده‌ست. طرفه آنکه در پایان مسابقه حتی خود استاد نیز محاسبه دقیقی ندارد. به نظر می‌رسد که برای جمع‌بندی نهایی نوعی استعداد بصری بسیار خاص نیاز است و چه‌بسا بتوان گفت نوعی قوه ذهنی پویا. آنها که گو را خیلی خوب می‌شناسند، می‌توانند با مشاهده نحوه قرارگیری سنگ‌ها یکی پس از دیگری و آنچنان که درواقع بازی شده‌اند، گزارش معقول و روشنی از بازی سال ۱۹۳۸ به من بدهند.

آن نسخه از استاد که اول بار در سال ۱۹۵۴ به صورت کتاب منتشر شد، قدری طولانی‌تر از نسخه‌ای بود که ترجمه آن را در دست دارید.

نسخه مطلوب خود آقای کاواباتا، نسخه کوتاه‌تر است، چرا که این نسخه در جدیدترین ویرایش «کلیات آثار» او آمده است. بخش‌هایی که از نسخه ۱۹۵۴ حذف شده است مربوط است به حد فاصل پایان مسابقه تا مرگ استاد.

به خانم ایبوکی کازوکو و آقای یاناگیتا کونیو از انتشارات چيو کورون در توکیو بسیار مدیونم. محبت بی‌دریغ آنها بود که در حل اسرار متن و بازی، بیش از آنچه خیل محققانی که دستمزد دریافت می‌کنند بتوانند، کمک‌حال واقع شد.

ادوارد سایدن‌ستیکر

ژانویه ۱۹۷۲

www.ketab.ir